

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۱۹ جون ۲۰۲۰

دیدار "اتمر، خلیل‌زاد و قابلوف" به چه معناست؟

۲

پنجشنبه - ۲۹ جوزای ۱۳۹۹ - کابل:

۲- مفهوم بین المللی این تشبیه:

از دید بین المللی تشبیه جدید "حنیف اتمر" در کل بیانگر دو نکته است:

الف- نخستین پیام این تشبیه در مناسبات بین المللی بر می گردد به مسافرت چندروزه قیل "لوی درستیز" انگلستان که مسافرت "باجوا" لوی درستیز پاکستان را به افغانستان سازماندهی نمود. در واقع هر دو حرکت نشان می دهد، که امپریالیسم انگلیس تصمیم گرفته است و یا هم وظیفه گرفته است تا در زمینه آوردن طالب زیر نام تأمین صلح نقش فعالتری به عهده بگیرد از همین رو آنها بسیار آگاهانه و هدفمندانه "حنیف اتمر" را که به مثابه سگ هر سوار در پیشاپیش هر نیروی متجاوز جفیده است، در رأس وزارت خارجه دولت دست نشانده قرار داده اند تا از تمام توان و قدرتش، به خصوص از ظرفیت قیاس ناپذیر سگ هر سوار شدنش سود جسته، در جهت تحقق اهداف استعمار گام بردارد.

ب- پیام اصلی و اساسی دیدار سه جانبه، می تواند به معنای اذعان و تمکین به "حق دخالت روسیه" در امور افغانستان از جانب غرب در کل و امپریالیسم امریکا به صورت خاص باشد.

این را همه می دانیم که مشکل اساسی چهار دهه اخیر زمانی آغاز یافت که سوسیال امپریالیسم شوروی متوقف، بر سیاست توازن شرق و غرب در افغانستان که از جانب رئیس جمهور "داوود" بسیار روشن و واضح در یک جمله "سگرت امریکائی خود را با گوگرد روسی روشن می کنیم" بیان شده بود زیر پای نموده با آوردن مزدوران و نوکرانش با قلاده های ظاهراً سرخ، افغانستان را مطلقاً از خود بسازد. خواستی که نه تنها از جانب خلق افغانستان پذیرفتنی نبود بلکه امکان مداخله غرب را نیز جهت حفظ امتیازاتش مساعد ساخت.

افتادن افغانستان در گرداب حوادث ملی و بین المللی باعث گردید، که متناسب با توازن قدرت در عرصه جنگ و نبرد، خواستها و ستراتیژی های دشمنان بین المللی خلق ما، به مانند یک چرخ فلک گاهی پائین و گاهی هم بالا برود، یعنی زمانی روسها بر مبنای تسط نظامی شان، افغانستان را حق خاص خود اعلام داشته جمهورییت هفدهم خود بسازند و

زمانی هم غرب و در رأس آنها امپریالیسم امریکا کوشش نموده تا با زور سلاح و پول، افغانستان را به ایالت پنجاه و سوم خود تغییر بدهد.

تلاش مذبحخانه شکست خورده از هر دو جانب، دیده می شود که آنها را مجدداً "سر عقل" آورده، می خواهند افغانستان را از لحاظ مناسبات بین المللی به همانجائی برگردانند که زمانی آن را زیر پای نموده بودند، یعنی باز هم قصه سگرت امریکائی و گوگرد روسی را اعتبار ببخشند.

تا جائی که دیده می شود، این روند از مدتها قبل آغاز یافته است. با در نظر داشت این که اعضای باند های "خلق و پرچم" در تمام این مدت در پیشاپیش قوای اشغالگر غرب فقط عامل اجرائی سیاست های امپریالیسم بودند بدون آن که در تعیین آن سیاست ها خود نقشی داشته باشند یعنی چه "سلیمان لایق" ها، چه "معصوم ستانکزی" ها، چه "رنجبر" ها، چه "گلابزوی" ها و چه "علمی" ها و بقیه کادر های سیاسی و نظامی آن باند ها، در تمام این مدت فقط همان کاری را کردند که امپریالیسم امریکا از آنها می خواست و بدان توظیف می شدند؛ عکس این سیاست اجرائی تا جائی که دیده می شود، فعلاً تعدادی از سران و بزرگان باند های خلق و پرچم که در کنار جواسیس تکنوکرات قرار گرفته اند، نه تنها یک عامل اجرائی اند، بلکه به علت نیازمندی جواسیس تکنوکرات در نبرد آنها علیه "اسلام سیاسی"، به مثابه شرکای قدرت مورد مشوره نیز قرار گرفته کوشش به عمل می آید از طریق انداختن بحث داکتر "نجیب" و "حفیظ الله امین" از آنها نفرت زدائی نموده، به نحوی برایشان میدان خالی ساخته شود.

همین روند است که بازتاب خود را در مناسبات بین افغانستان، امریکا و روسیه نشان داده، "حنیف اتمر" را وادار می سازد تا به مثابه نماینده و سگ امپریالیسم پیر که مدتی هم به دنبال سربازان روسی جفیده است، وارد میدان شده، با "خلیلزاد" و "قابلوف" جلسه مشترک گذاشته، نظرات آنها را در باب مصالحه با طالب نزدیک بسازد. یعنی همان کاری را انجام دهد که امپریالیسم قاره در تمام دوران جنگ سرد به ارتباط با افغانستان می خواست انجام دهد. نباید ناگفته گذاشت که تمام این تشبثات، به معنای ختم توافقنامه بین "غنی احمدزی" و "عبدالله عبدالمود" بوده، عنقریب فاتحه توافقنامه و "عبدالمود" خوانده می شود.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشاندگی می باشد!

سرکها ما را می طلبند!